

# زبان انگلیسی ۳

[alborz.sch.ir](http://alborz.sch.ir)

به کوشش :

منصور رضائی

[3-5alborz.blogfa.com](http://3-5alborz.blogfa.com)

فهرست

۳	درس اول
۸	درس دوم
۱۴	درس سوم
۱۹	درس چهارم
۲۶	درس پنجم
۳۱	درس ششم
۳۵	مترادف
۳۶	متضاد
۳۷	Word-Formation
۴۱	Stress

## LESSON 1

### Vocabulary

allow	اجازه دادن	end	تمام کردن
at the end of	در پایان	except	به استثنای ، به جز
at the front	در جبهه	experiment	آزمایش ، تجربه
average	میانگین ، معدل ، متوسط	eyesight	بینایی ، دید
( be ) careful about	مواظب بودن در مورد	future	آینده
( be ) interested in	علاقمند بودن به	get ...away from	دور کردن از
behave	رفتار کردن	harmful	مضر ، زیان بخش
case	مورد	holiday	روز تعطیل
certain	خاص ، معین	housewife	خانم خانه دار
channel	کانال	How often ...?	چند وقت به چند وقت
choice	انتخاب ، گزینه	improve	بهبود یافتن ، پیشرفت کردن
choose	انتخاب کردن	influence ( v )	تاثیر ، تحت تاثیر قرار دادن
colorful	رنگارنگ	movie	فیلم سینمایی
continue	ادامه دادن	music	موسیقی
daily	روزانه ، روزمره	observation	مشاهده
effect	اثر ، تاثیر	once a week	یک بار در هفته

out at work	بیرون سر کار	sport	ورزش
period	دوره ، مدت	stay ( at )	اقامت کردن ( در ) ، ماندن ( در )
powerful	قوی	struggle	بحث ، مشاجره
practice	تمرین ، تمرین کردن	successfully	با موفقیت
pressure	فشار	take a test	امتحان دادن
probably	احتمالاً ، شاید	television set	دستگاه تلویزیون
recent	اخیر ، جدید ، تازه	theater	تئاتر
recently	اخیراً	twice ( a week )	دو بار در هفته
relax	استراحت کردن	type ( n )	نوع
relaxed	آرام ، راحت ، آسوده	unusual	غیر معمول ، غیر عادی
research	تحقیق کردن ، تحقیق	viewer	بیننده
researcher	محقق ، پژوهشگر	weak	ضعیف
single	تنها ، تک ، مجرد	wonderful	شگفت انگیز ، عجیب
skill	مهارت	worry about	نگران بودن در باره

## Structure

### Part I

## Noun Clause

### عبارت اسمی

عبارت اسمی عبارت یا جمله ای است که نقش " اسم " را در جمله ایفا می کند .

در سال اول دبیرستان با یکی از انواع عبارت اسمی بنام " that clause " آشنا شدیم .

I know ( that ) everything will soon improve .

در جمله بالا ، that به علاوه جمله بعد از آن that clause نامیده می شود و نقش اسم را دارا می باشد .

حال چنانچه بعد از جمله پایه ، یک جمله سئوالی که با کلمه پرسشی ( when, what, ... ) سئوالی شده باشد ، به کار برود ، جمله بعد از کلمه پرسشی باید از حالت سئوالی به حالت خبری تبدیل شود . زیرا کلمات پرسشی وسط جمله حالت پرسشی ندارد و کلمه ربط محسوب می شوند .

I know when she will arrive .

در جمله فوق ، when به همراه جمله خبری بعد از آن نقش را ایفا می کند . از اینرو عبارت اسمی " ( noun clause ) نامیده می شود .

در این عبارات اسمی بعد از افعالی که نیاز به مفعول دارند (مانند ... , know, remember ) استفاده شده اند . از اینرو عبارات اسمی در این حالت نقش مفعول جمله را ایفا می کنند .

I remember what he said .

## Exercise 1

- choose the best choice :

1. A: " where does she live ? "

B: I don't know where \_\_\_\_\_ .

- |                  |              |
|------------------|--------------|
| a) does she live | c) she live  |
| c) she lived     | d) she lives |

2. I can't tell you what \_\_\_\_\_ yesterday .

- |              |               |
|--------------|---------------|
| a) did I buy | b) will I buy |
| c) I buy     | d) I bought   |

## Exercise 2

1. Why wasn't he there ?

I know .....

2. Where was the concert ?

I won't tell you ..... ?

3. What time is it ?

Can you tell me ..... ?

4. How many apples did you buy ?

Do you remember ..... ?

5. Where did he go ?

I wonder .....

Structure

Part II

To be going to

آینده قصدی

هر گاه " قصد " به انجام عملی را در آینده داشته باشیم می توان از ساخت آینده قصدی به صورت زیر استفاده کرد .

... + شکل ساده فعل + going to + am/is/are + فاعل

*Mary is going to buy a car next week .*

*I am going to study Mathematics .*

*We are going to play basketball tomorrow .*

به حالت سئوالی و منفی این گونه جملات در زیر توجه کنید :

*" Are you going to paint your house ? " " Yes , I am . / No, I'm not. "*

*" Is David going to change his car ? " " Yes , he is . / No , he is not . "*

*" What are you going to study ? " " Engineering "*

*She is not going to invite us to her party .*

*We are not going to leave you alone .*

## Exercise

Answer " no " to the question and add a statement using the word tomorrow .

1. Did Mr.Miller play tennis yesterday ?

*No , he's going to play tennis tomorrow.*

2. Did you visit your grand father yesterday ?

3. Did you buy a wrist watch last week ?

4. Did David and Alex eat dinner at a restaurant yesterday ?

5. Did you write a letter last night ?

## LESSON 2

### Vocabulary

as soon as	به محض اینکه	in other words	به عبارت دیگر
ashamed of	شرمنده از	insist on	پافشاری کردن ، اصرار کردن
( be ) on time	سر وقت بودن	lie	دروغ ، دروغ گفتن
blind	نابینا ، کور	means	وسیله
clerk	کارمند	modern	جدید ، مدرن
dangerous	خطر ناک	nation	ملت
degree	مدرک دانشگاهی	passenger	مسافر
discussion	بحث	perfect ( adj )	کامل ، عامل ، بی نقص
dislike	متنفر بودن ، دوست نداشتن	possible	ممکن
driving test	امتحان رانندگی	prepare	آماده کردن
educate	تعلیم دادن ، تربیت کردن	produce	تولید کردن
end ( n )	هدف	rapidly	به سرعت
examine	امتحان کردن ، معاینه کردن	realize	فهمیدن ، تشخیص دادن
fact	واقعیت ، حقیقت	refuse	امتناع کردن ، رد کردن
fashionable	مد ، متداول	role	نقش
fill	پر کردن	rubbish	زباله
final	نهایی	service	خدمت
fit	آماده کردن	show ( n )	نمایش
flight	پرواز	silly	احمقانه
forbid	ممنوع کردن	society	جامعه
free	آزاد ، مجانی	stupid	کند ذهن
goal	هدف	take away from	دور کردن از
government	دولت ، حکومت	useful	مفید
honest	درستکار ، امین ، صادق	What time is the film on ?	فیلم چه ساعتی شروع می شود ؟
however	اما ، به هر حال	value	ارزش ، بها
in fact	در حقیقت	whether	آیا ، خواه

## Structure

### Part I

## it فاعل غیر واقعی

در مواردی که جمله فاعل واقعی نداشته باشد ، برای پر کردن جای فاعل می توان از it به عنوان فاعل غیر واقعی استفاده کرد .

برخی کاربردهای it :

الف - برای مواردی مانند هوا ، زمان ، مسافت و ...

*It is cloudy .*

*It is late .*

*It is far from here .*

ب - در ساختار زیر :

**It + to be + صفت + to** مصدر با ...

نکته ( ۱ ) از مشتقات فعل to be ، تنها is , was در ساختار فوق استفاده می شود .

*It is important to arrive in class on time .*

*It was difficult to pronounce long words .*

نکته ( ۲ ) در صورت نیاز به مفعول می توان ساختار فوق را به شکل زیر تغییر داد :

**It + to be + صفت + for + ضمیر مفعولی / اسم + to** مصدر با ...

*It was dangerous for Alex ( him ) to drive motorcycles .*

*It is important for us to learn a new language .*

حالات سئوالی و منفی این ساختار را در پایین ملاحظه می نمایید :

*Is it hard for you to answer these question ?*

*It was not easy for me to find the way .*

### **Exercise**

Combine as in the illustrate examples given below .

To come early is good for you .

*It is good for you to come early .*

1. To live in a large house is expensive for us .
2. To feed dogs can be dangerous for you .
3. To get up early is sometimes difficult for children .
4. To walk in the park is pleasant for everybody .
5. To read Mary's new book is interesting for them .

Part II

Gerund ( Verb + ing )

اسم مصدر

با افزودن *-ing* به فعل می توان اسم مصدر ساخت که در این درس به صورت های زیر کاربرد دارد :

۱ - در ابتدای جمله ، در نقش فاعل :

*Swimming is my favorite sport .*

۲ - بعد از حرف اضافه ، در نقش مفعول حرف اضافه ( متمم ) :

حروف اضافه :

in, on, at, for, of, from , by , about , after , before , with , without , ...

*He is intereted in reading war stories .*

۳ - بعد از افعال زیر ، در نقش مفعول :

avoid	دوری کردن	mind	اهمیت دادن
dislike	دوست نداشتن	miss	از دست دادن
enjoy	لذت بردن	risk	به خطر انداختن
finish	تمام کردن	stop	ترک کردن
imagine	تصور کردن	woud like	مایل بودن
like	دوست داشتن		

*Mina enjoys watching cartoon .*

نکته ) اسم مصدر به همراه *No* نشانه *forbidden* است ، مانند

*No smoking*

*No parking*

## Exercise

Change the statement to Gerund .

1. It is necessary for us to practice English .

*Practicing English is necessary .*

2. It is pleasant to go to the lake on a hot day .

3. It isn't safe for you to drive John's car .

4. It is interesting for children to watch cats .

5. It makes Jim tired to work all day .

## LESSON 3

### Vocabulary

ability	توانایی	mental	ذهنی ، فکری
(to be)afraid of	ترسیدن از	mind	ذهن ، فکر
amount	مقدار	mistake	اشتباه
area	منطقه ، بخش	object ( n )	موضوع ، شیء
basis	پایه ، اساس	occur	اتفاق افتادن ، رخ دادن
brain	مغز	over and over	مکرراً ، مرتباً ، بارها
briefly	به طور مختصر	overlearning	یادگیری از طریق تکرار
call up	تلفن کردن	pace	سرعت
chemical	شیمیایی	painful	دردناک
conscious	هوشیار ، آگاه	photographic	تصویری
dead	مرده ، بی جان	physical	بدنی ، جسمی
details	جزئیات	poem	شعر
emotional	عاطفی ، احساسی	psychologist	روانشناس
enter	داخل شدن ، وارد شدن	question ( v )	پرسیدن
even	یکسان ، یکنواخت	recall	به یاد آوردن
event	واقعه ، حادثه	record ( n )	ثبت ، ضبط
exist	وجود داشتن ، بودن	record ( v )	ثبت کردن ، ضبط کردن
feeling	احساس	responsible	مسئول
forest	جنگل	scene	منظره ، صحنه
foreigner	خارجی ، بیگانه	search for	جستجو کردن
hear about	خبر دار شدن ، شنیدن درباره	shopkeeper	مغازه دار
hobby	سرگرمی	slow down	کند شدن ، از سرعت (چیزی) کاستن
information	اطلاعات	sorry about	متاسف درباره
interest ( n )	علاقه	stick in one's mind	در ذهن ماندن
jet	( هواپیمای ) جت	talk with	صحبت کردن با
look after	مراقبت کردن از	thus	بنا بر این
loss	فقدان	turn up	زیاد کردن صدا
memory	حافظه	weekend	تعطیلات آخر هفته

Structure

Two – word Verbs

افعال دو کلمه ای

افعالی هستند که از ترکیب دو کلمه ساخته شده اند مانند " turn on " give back این

افعال از نظر ساخت به دو دسته تقسیم می شوند : جداشدنی و جدا نشدنی

افعال جدا شدنی ( Verb + particle )

افعال جدا شدنی از ترکیب یک فعل و یک جزء قیدی ساخته می شوند .

نکته ۱ ) چنانچه مفعول جمله " اسم باشد ، می توان مفعول را بعد از افعال جدا شدنی و یا

بین دو قسمت این افعال به کار برد :

*I put on my coat .*

*I put my coat on .*

نکته ۲ ) چنانچه مفعول جمله به صورت ضمیر ( me , you , him , ... ) باشد ، مفعول

فقط بین فعل و جزء قیدی قرار می گیرد .

*She called me up .*

*I put it on .*

افعالی از این گروه که در این درس معرفی شده اند عبارتند از :

call up	تلفن کردن	turn down	کم کردن صدا
give back	پس دادن	turn off	خاموش کردن
pick up	برداشتن	turn on	روشن کردن
put on	پوشیدن	turn up	زیاد کردن صدا
take off	در آوردن لباس و کفش	wake up	بیدار کردن

## Verb + preposition

### افعال جدا نشدنی

آن دسته از افعال دو کلمه ای را گویند که از ترکیب یک فعل و یک حرف اضافه تشکیل شده اند و مفعول چه اسم باشد چه ضمیر حرف اضافه به هیچ وجه به صورت جدا از فعل نوشته نمی شود . مانند :

*I looked at the picture .*

*I looked at it .*

افعال جدا نشدنی که در این درس معرفی شده اند عبارتند از :

agree about/on	موافق بودن	speak to / with	صحبت کردن با
disagree about	مخالف بودن	talk to / with / about	صحبت کردن با
insist on	اصرار کردن در مورد	think about / of	فکر کردن درباره
listen to	گوش دادن به	wait for	منتظر ماندن برای
look at	نگاه کردن به	worry about	نگران بودن
look for	جستجو		

## Adjective + Preposition

تعدادی صفات وجود دارند که به همراه حروف اضافه خاص خود و بعد از فعل to be بکار می روند بنابراین یاد گیری حروف اضافه به همراه صفات ضروری است .

حرف اضافه + صفت + to be

to be afraid of

to be sorry for / about

to be tired of

to be similar to

to be interested in

to be responsible for

to be different from

to be full of

to be careful about

to be angry with

to be worried about

*I am afraid of dogs .*

*I was afraid of them .*

## Exercise 1

Practice the use of both preposition and particles . Include an adverbial of time in the response .

1. Did George call up Mr. Miller ?

*Yes , he called him up yesterday .*

2. Did Alex look for the umbrella ?

3. Did Mary pick up the pencil ?

4. Did you put on your new tie ?

5. Did they talk to Alex ?

## Exercise 2

Choose the correct choice :

1. We were tired \_\_\_\_\_ working .

a) at                      b) from                      c) of                      d) about

2. " Did you wake Ali up before 6 ? " " Yes , I \_\_\_\_\_ . "

a) wake him up    b) woke him up    c) woke up him    d) wake up him

## LESSON 4

### Vocabulary

and so	و غیره	Denmark	دانمارک
athlete	ورزشکار	depth	عمق
attract	جذب کردن	dictionary	فرهنگ ، واژه نامه
award	جایزه دادن	encourage	تشویق کردن
basically	اساساً	envelope	پاکت نامه
bathroom	حمام	force ( v )	مجبور کردن ، وادار کردن
birthday	روز تولد	fortune	شانس
bottom	ته ، پایین	friendship	دوستی
boxing	بوکس ( مشت زنی )	Greece	یونان
bronze	برنز	gymnastic	ژیمناستیک
celebration	جشن	heat ( v )	گرما ، حرارت
committee	کمیته	height	ارتفاع ، بلندی
competition	رقابت ، مسابقه	hold	برگزار کردن
consist of	شامل ( بودن )	ice-hockey	هاکی روی یخ
control ( v )	کنترل کردن ، نظارت کردن	immediately	فوراً
cycle ( v )	دوچرخه سواری کردن	include	شامل بودن
instruction	دستورالعمل	serious	جدی

international	بین المللی	shelf	قفسه
lake	دریاچه	silently	به آرامی ، به آهستگی ، در سکوت
length	طول	silver	نقره
measure ( n )	اندازه ، مقیاس	site	محل ، مکان
medal	مدال	skating ( n )	اسکیت بازی
meeting ( n )	جلسه ، ملاقات	skiing ( n )	اسکی بازی ، اسکی
Olympia	المپیا ( نام محلی در یونان )	snow-covered	پوشیده از برف
Olympic	المپیک	so far	تاکنون
Olympics	بازی های المپیک	take part in	شرکت کردن در
operate	به کار انداختن ، اداره کردن	team	تیم ، دسته
organize	سازماندهی کردن ، تشکیل دادن	together	با هم
pair	جفت	track and field	ورزشهای دو و میدانی
permit ( v )	اجازه دادن	weekly	هفتگی ، هفته به هفته
place ( v )	قرار دادن ، گذاشتن	width	عرض ، پهنا
plain ( n )	دشت	win	برنده شدن
play a part	نقش داشتن ، نقش بازی کردن	winner	برنده
religious	مذهبی	wrestle	کشتی گرفتن
lake	دریاچه	wrestling	کشتی

## Structure

### Part I

#### جملات دو فعلی

بعد از افعال زیر فعل دوم به صورت مصدر ( به همراه to ) به کار می رود :

advise	توصیه کردن	invite	دعوت کردن
allow	اجازه دادن	order	سفارش دادن ، دستور دادن
ask	درخواست کردن	permit	اجازه دادن
encourage	تشویق کردن	tell	گفتن
expect	انتظار داشتن	want	خواستن
force	مجبور کردن	wish	خواستن
		would like	مایل بودن ، میل داشتن

*I **wanted** her to study more .*

*She **invites** us to have a dinner .*

*They **will tell** you not to stay here .*

## Structure Part II

### نقل قول امری ( مستقیم و غیر مستقیم )

عبارت است از نقل ( بیان ) یک جمله امری که می تواند به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم باشد . در نقل قول مستقیم جمله نقل شده را بعد از کاما ( و ) ما بین گیومه ها ( " " ) قرار می دهند .

برای تبدیل جمله امری مستقیم به امری غیر مستقیم ، بعد از حذف نشان های کاما و گیومه ها فعل جمله نقل قول به صورت مصدر ( به همراه **to** ) به کار می رود .

*Our teacher told us , " Pay attention to what I say " .*

*Our teacher told us to pay attention to what he/ she says.*

### نقل قول نهی ( مستقیم و غیر مستقیم )

چنانچه فعل جمله نقل قول منفی باشد ، برای تبدیل جمله نقل قول مستقیم به غیر مستقیم علاوه بر حذف کاما و گیومه ها به جای **Don't** از **not to** قبل از فعل استفاده می کنیم .

*My father told me , " Don't laugh " .*

*My father told me not to laugh .*

نکته ( ۱ ) همچنین ضمائر ( فاعلی ، مفعولی ، ملکی ) ، صفت ملکی و برخی اوقات فعل جمله نقل قول با توجه به گزارشگر - فاعل - مفعول جمله و مفهوم جمله تغییر می کند .

*The boss ordered me , " finish your work before I leave . "*

*The boss ordered me to finish my work before he leaves .*

نکته ( ۲ ) چنانچه در جمله پایه از say to استفاده شود ، در تبدیل جمله از مستقیم به غیر مستقیم ، say to تبدیل به tell می شود .

*She said to Jane , " Take my bag to the first floor " .*

*She told Jane to take her bag to the first floor .*

## Exercise 1

From an answer using the suggested word and adverb tomorrow .

1. Did John decide to see his lawyer today ? ( plans )

No , *But he plans to see him tomorrow .*

2. Does Mary plan to read some interesting books today ? ( wants )

No ,

3. Does Alex plan to visit museum today ? ( hopes )

No ,

4. Does Mr. Miller like to wash his car ? ( promise )

No ,

5. Does Joe decide to fix his bicycle to day ? ( try )

No ,

## Exercise 2

Change the following sentences from direct to indirect speech .

1. He told me , “ try to come on time ” .

*He told me to try to come on time .*

2. I told him , “ Please don't make so much noise ” .

3. He said to me angrily , “ Don't make the same mistake again ” .

4. She said to me, “ Don't forget what I have told you ” .

5. The teacher told us , “ Type your compositions ” .

## LESSON 5

### Vocabulary

after a while	بعد از مدتی	invention	اختراع
amused	سرگرم	involve	شامل شدن
amusing	سرگرم کننده	Iran Air	شرکت هواپیمایی ایران ایر
behind	عقب ، پشت	instead	در عوض ، به جای
bored	کسل	keep account	حسابداری کردن
boring	خسته کننده ، کسالت آور	long ago	مدت ها پیش
call out	بلند گفتن ، داد زدن	make up	ساختن ، تشکیل شدن
carpet	فرش	manage	اداره کردن
company	شرکت	meal	وعده غذا
confused	گیج	Moslem	مسلمان
confusing	گیج کننده	papyrus	پاپیروس ( نام گیاه )
cotton	کتانی	report	گزارش ، گزارش دادن
Egypt	مصر	sheet	ورقه
exciting	مهیج	shocked	شوکه
excited	هیجان زده	shocking	تکان دهنده ، حیرت آور
far apart	دور از هم ، جدا از هم	shout	فریاد زدن
fear	ترس	smell	بو دادن
fast	روزه ، روزه گرفتن	surprised	متعجب
frightened	وحشت زده ، ترسیده	surprising	تعجب آور ، حیرت آور
habit	عادت	taste	طعم دادن
hard working	سخت کوش	up and down	بالا و پایین
How do you do ?	از آشنایی با شما خوشوقتم	whenever	هر وقت ، هر زمان
invent	اختراع کردن	wire	سیم

## Structure

### Part I

## Present & Past Participle as an adjective

### صفت فاعلی و صفت مفعولی

با افزودن **ing** - به برخی افعال صفت فاعلی ( Participle Present ) ساخته می شود ،  
 که غالباً برای توصیف اشیاء به کار می رود و قسمت سوم برخی افعال ( past participle )  
 صفت مفعولی محسوب می شود که برای توصیف اشخاص به کار می رود .

*I was exited because the story was exciting.*

صفات فاعل و مفعولی که در این درس معرفی شده اند عبارتند از :

صفت مفعولی	صفت فاعلی	فعل
سرگرم	سرگرم کننده	سرگرم کردن
amused	amusing	amuse
کسل	کسل کننده	کسل کردن
bored	boring	bore
گیج	گیج کننده	گیج کردن
confused	confusing	confuse
هیجان زده	هیجان انگیز	به هیجان آوردن
excited	exciting	excite
وحشت زده	ترسناک	ترساندن
frightened	frightening	frighten
شوکه	تکان دهنده	شوکه کردن
shocked	shocking	shock
متعجب	تعجب آور	متعجب کردن
surprised	surprising	surprise
علاقمند	جالب	علاقمند کردن
interested	interesting	interest

## Exercise 1

1. She got bored because the film was not \_\_\_\_\_ .  
a) boring      b) bored      c) interesting      d) interested
2. The news made everybody \_\_\_\_\_ .  
a) surprise      b) surprised      c) surprising      d) surprisingly

## Exercise 1

Produce sentences which contain past participles and –ing word used as adjectives .

1. The story interested John .  
( Describe the story ) : *The story was / is interesting .*  
( Describe John ) : *John was interested .*
2. It was an intelligent answer , It surprised the people .  
( Describe the people ) : .....
- ( Describe the answer ) : .....
3. The long answer confuse Mr Smith .  
( Describe the answer ) : .....
- ( Describe Mr smith ) : .....
4. The good news excited Susan .  
( Describe Susan ) : .....
- ( Describe the news ) : .....
5. Mr Brown was watching some children . The children amused Mr. Brown .  
( Describe the children ) : .....
- ( Describe Mr. Brown ) : .....

## Structure

### Part II

## Linking Verb

### افعال ربطی

مهمترین افعال ربطی عبارتند از :

feel	احساس کردن	be	بودن
smell	بو دادن	look	نگاه کردن
taste	طعم دادن	sound	صدا کردن
get	شدن	seem	به نظر آمدن
grow	رشد شدن	appear	به نظر رسیدن

نکته (۱) بعد از افعال ربطی ، صفت به کار می رود .

*The man looks happy today .*

*The food tastes good .*

نکته (۲) اکثر افعال ربطی به معانی متفاوت از معانی ذکر شده نیز دیده می شوند . در اینصورت

افعال غیر ربطی محسوب می شوند و بعد از آنها صفت به کار نمی رود :

### Linking

*The pizza tastes good .*

*The flower smelt nice .*

*He looked shocked .*

*We grow old .*

*He appeared upset .*

### Non-linking

*I tasted the soup .*

*I smelt the flower .*

*He looked at me /angrily .*

*We grow vegetables .*

*He appeared immediately .*

## Structure

### Part III

## Order of Adjectives

### ترتیب صفات

در زبان انگلیسی چند صفت به ترتیب زیر می توانند قبل از اسم به کار روند و آنرا توصیف کنند. در این صورت ترتیب قرار گرفتن صفات طبق الگوی زیر است :

اسم	جنس	ملیت	رنگ	اندازه	کیفیت	شمارنده ، حرف تعریف
shirt	cotton	Indian	red	long	nice	A
carpet	silk	Persian	white	large	beautiful	that
car	-	Japanese	blue	small	new	the

*I bought a nice long red French cotton shirt .*

*The nice long red Persian cotton shirt is over there .*

## Exercise 2

Make correct phrases .

1. old , little , weak , that , dog .
2. interesting , old , book , that , very .
3. ring , that , round , very , old , gold-colored .
4. wide , those , Iranian , excellent , freeways , new .
5. third , my , shirt , cotton , Egyptian .

## LESSON 6

### Vocabulary

action	کار ، عمل	influence	تاثیر ، تحت تاثیر خود قرار دادن
activity	فعالیت	inform	اطلاع دادن
airline	خط هوایی	on your left	در سمت چپ شما
aspect	جنبه ، وضع ، حالت	orbit	چرخیدن ، ( به دور مدار ) گشتن
available	موجود ، در دسترس	otherwise	در غیر اینصورت
by means of	به وسیله	perform	انجام دادن ، اجرا کردن
block	بلوک ساختمان	pocket-size	اندازه ، جیبی
capacity	ظرفیت ، گنجایش ، توانایی	process	پردازش کردن
central	مرکزی	programmable	قابل برنامه ریزی
chemist	شیمیدان ، داروساز	project	طرح ، نقشه
come in	عرضه شدن	properly	درست ، به طور صحیح
constantly	مداوم ، به طور پیوسته	research ( v )	تحقیق کردن
deny	انکار کردن ، تکذیب کردن	right-hand side	سمت راست
design ( v )	طراحی کردن	separate	جدا ، جدا گانه
designer	طراح	series	ردیف ، سری
disabled ( people )	( افراد ) معلول	spacecraft	فضا پیما ، سفینه فضایی
drug	دارو	success	موفقیت ، کامیابی
endeavor	تلاش ، سعی	superhuman	فوق بشری
entertainment	پذیرایی ، سرگرمی	switch ( v )	تغییر دادن
exactly	دقیقاً ، درست	task	وظیفه ، کار
furthermore	به علاوه	tower	برج
giant	بسیار بزرگ ، غول پیکر	turn ( v )	پیچیدن ، چرخیدن
go straight on	مستقیم به جلو رفتن	turning	پیچ و دو راهی
handle with	سروکار داشتن با	wind power	نیروی باد

## Structure

### Active & Passive Sentences

#### جمله معلوم و مجهول

جمله معلوم جمله ای است که در آن تاکید روی کننده کار ( فاعل ) باشد ، به عبارت دیگر فاعل در آغاز جمله قرار می گیرد :

*Ali washed the car .*      علی ماشین را شست

جمله مجهول جمله ای است که در آن تاکید روی مفعول باشد . به عبارتی دیگر جمله با مفعول آغاز شود .

*The car was washed .*      ماشین شسته شد .

#### ساختار جملات مجهول :

(۱) زمان حال ساده :

**مفعول + am / is / are + P.P ...**

*A cake is made every afternoon .*

*The letters are posted every Tuesday .*

(۲) زمان گذشته ساده :

**مفعول + was / were + P.P...**

*A new hospital was built last year .*

*Two books were bought yesterday .*

(۳) زمان آیند ساده :

**مفعول + will be + P.P...**

*This building will be completed next month .*

*The bicycle can be repaired.*

(۴) جملات دارای افعال کمکی :

**مفعول + فعل کمکی + be + P.P...**

*The cars must be parked out of the building .*

*This plane can be repaired by engineers .*

(۵) زمان حال کامل ( ماضی نقلی ) :

**مفعول + have/has + been + P.P...**

*The film has been shown .*

*The rooms have been cleaned .*

(۶) زمان گذشته کامل ( ماضی بعید ) :

**مفعول + had + been + P.P...**

*The dishes had been washed before we arrived .*

نکته ( ۱ ) در جملات مجهول می توان با به کار بردن حرف اضافه **by** همراه فاعل (اسم یا ضمیر

( در انتهای جمله به کننده کار ( فاعل ) اشاره کرد .

*The room was cleaned by Ali / him .*

نکته ۲) با توجه به وجود افعال کمکی در جملات مجهول ، بدیهی است که برای ساختن حالت پرسشی جملات مجهول کافی است که افعال کمکی در ابتدای جمله قرار گیرند و برای ساختن حالت منفی آنها کافی است که به افعال کمکی not اضافه شود .

*Is a new film shown every night ?*

*The system of education will not ( won't ) be changed .*

### **Exercise 1**

Change the following active sentences into their corresponding passive .

1. Someone explains the lesson everyday .
2. Edison invented the electronic light before I was born .
3. They are completing the building .
4. You should answer their questions immediately .
5. They have made the telephone call .

## SYNONYM

### L . 1

actually = in fact  
 conversation = dialogue  
 opinion = idea  
 similar = alike  
 purpose = aim = goal = end  
 start = begin  
 sufficient = enough  
 take place = happen , occur  
 require = need

### L . 2

plenty = a lot of  
 allow = let  
 therefore = so  
 effect = influence  
 only = just  
 immediately = at once  
 probably = maybe

### L . 3

dislike = hate  
 love = like  
 end = aim = purpose  
 perfect = complete  
 stupid = foolish

### L . 4

call up = telephone  
 pace = speed  
 recall = remember  
 way = method , path  
 occur = happen , take place

### L . 5

at last = finally  
 immediately = at once  
 permit = let = allow  
 force = make

### L . 6

confused = mixed up  
 surprising = wonderful  
 shout = call out  
 giant = very big  
 influence ( v ) = affect

## ANTONYM

### L . 1

agree ≠ disagree

health ≠ illness

polite ≠ impolite

quit ≠ busy , noisy

similar ≠ different

### L . 2

future ≠ past

harmful ≠ useful

less ≠ more

weak ≠ strong , powerful

without ≠ with

### L . 3

dislike ≠ love , like

educated ≠ uneducated

refuse ≠ accept

### L . 4

lose ≠ find , get

mental ≠ physical

briefly ≠ completely

painful ≠ joyful

weak ≠ strong

dead ≠ alive ≠ living

### L . 5

at last ≠ at first

bottom ≠ top

behind ≠ in front of

win ≠ fail , lose

### L . 6

useful ≠ harmful

## Word Formation

### L . 1

important ( adj )	مهم	importance ( n )	اهمیت
behave ( v )	رفتار کردن	behaviour ( n )	رفتار
choose ( v )	انتخاب کردن	choice ( n )	انتخاب
except ( adj )	استثناء	exception ( n )	استثناء
harm ( n )	ضرر	harmful ( adj )	مضر
imporove ( v )	بهبتر شدن ، بهبود یافتن	improvement ( n )	توسعه ، بهبود
observe ( v )	مشاهده کردن	observations ( n )	مشاهده
press ( v )	فشار دادن ، له کردن	pressure ( n )	فشار
relax ( v )	استراحت کردن	relaxation ( n )	استراحت
		relaxed ( adj )	آسوده
research ( v,n )	تحقیق کردن	researcher ( n )	محقق
succeed ( v )	موفق کردن	successfully ( adv )	با موفقیت
		success ( n )	موفقیت
		successful ( adj )	موفق
usual ( adj )	معمول	usual ( adj )	غیر معمول
		usually ( adv )	معمولاً
weak ( adj )	ضعیف	weakness ( n )	ضعف
worry ( v )	نگران بودن	worried ( adj )	نگران

L . 2

ashame ( v )	خجالت کشیدن	ashamed ( adj )	شرمنده بودن
danger ( v )	خطر	dangerous ( adj )	خطر ناک
educate ( v )	تعلیم و تربیت کردن	education ( n )	آموزش و پرورش
		educated ( adj )	باسواد
fly ( v )	پرواز کردن	flight ( n )	پرواز
forbid ( v )	ممنوع کردن	forbidden ( n )	ممنوع
free ( adj )	آزاد	freedom ( n )	آزادی
nation ( n )	ملت	international ( adj )	بین المللی
		national ( adj )	ملی
perfect ( adj )	کامل	perfectly ( adv )	به طور کامل
society ( n )	جامعه	social ( adj )	اجتماعی
fashion ( n )	مد	fashionable ( adj )	رایج ، متداول
examine ( v )	آزمودن	examination ( n )	امتحان ، آزمون

L . 3

able ( adj )	قادر ، توانا	ability ( n )	توانایی
		disable ( adj )	ناتوان
		disabled ( adj )	ناتوان
feel ( v )	احساس کردن	feeling ( n )	احساس
foreign ( adj )	خارجی	foreigner ( n )	خارجی ، بیگانه
interest ( abj )	علاقه	interested ( abj )	علاقمند
		interesting ( abj )	جالب
loss ( n )	فقدان	lose ( v )	گم کردن
pain ( n )	درد	painful ( adj )	دردناک
photograph ( n )	عکس ، تصویر	photographic ( adj )	تصویری
		photographer ( n )	عکاس

L . 4

attract ( v )	جذب کردن	attractive ( n )	جذاب
celebrate ( v )	جشن گرفتن	celebration ( n )	جشن
friend ( n )	دوست	friendly ( adj )	دوستانه
		friendship ( n )	دوستی
religion ( n )	مذهب	religious	مذهبی
win ( v )	برنده شدن	winner ( n )	برنده
wrestle ( v )	کشتی گرفتن	wrestling ( n )	کشتی
run ( v )	دویدن	runner ( n )	دونده

L . 5

invent ( v )	اختراع کردن	invention ( n )	اختراع
manage ( v )	اداره و مدیریت کردن	manager ( n )	مدیر
		management ( n )	نظم

L . 6

act ( v )	عمل کردن	active ( adj )	فعال
		activity ( n )	فعالیت
		action ( n )	عمل
chemistry ( n )	شیمی	chemist ( n )	شیمیدان
		chemical ( n )	شیمیایی
inform ( v )	اطلاع دادن	information ( n )	اطلاعات
program ( v )	برنامه	programmable ( n )	قابل برنامه
		programmer ( n )	ریزی
			برنامه ریز
design ( v )	طراحی کردن	designer ( n )	طراح

Stress on the first syllable (1)	Stress on the second syllable (2)	Stress on the last syllable (3)
added	about	Labanes
after	above	Japanese
angry	accept	seventeen
city	ago	understand
classes	already	
comfortable	another	
Denmark	before	
dictionary	belief	
envelope	believe	
exercise	Chinese	
father	computer	
garden	decide	
happy	department	
holiday	eighteen	
little	eleven	
mother	enjoy	
never	enough	
operate	forget	
people	fourteen	
program	hello	
realize	hotel	
telephone	how ever	
vegetable	important	
wanted	Japan	
.	mechanic	
	my self	
	policeman	
	remember	
	result	
	together	
	tomorrow	

copyright alborz.sch.ir

3-5alborz.blogfa.com

by giggle

سال ۱۳۸۵